

محدود کنند. این مسأله در راستای جلوگیری از گسترش سلاح هسته‌ای در خاورمیانه مطرح شد. به همین منظور، بریتانیا می‌توانست بر تعداد محدودتری از تجهیزات هسته‌ای (تقریباً یکصد سلاح وابسته به نسل جدید موشک‌های کروز دوربرد) سرمایه‌گذاری کند. با وجودی که تهیه و تدارک موشک‌های کروز جدید در کوتاه مدت، صرفه‌جویی مالی قابل توجهی به حساب نمی‌آید، اما این موشک‌ها در بلند مدت از نظر مالی و استراتژیکی می‌توانند تجهیزات دفاعی بادوامی محسوب شوند.

### فرانسه، کپی بریتانیا

علاوه بر بریتانیا، فرانسه طی دو دهه آینده تقریباً با موقعیت مشابهی روبه‌رو خواهد شد. این کشور، برخلاف بریتانیا دو سیستم حمله هسته‌ای هوایی و دریایی را اداره می‌کند. فرانسه با برنامه دفاع هسته‌ای متفاوت خود می‌تواند منابع مالی قابل توجهی ذخیره کرده و بدین ترتیب، تجهیزات غیرهسته‌ای خود را نو سازی کند. برخی گزارش‌ها حاکی از آنند که بریتانیا قصد دارد نیروهای ارتش یکصد هزار نفری خود را به ۲۰ تا ۲۵ هزار نفر کاهش دهد.

چنین کاهش‌های قابل توجهی، به احتمال زیاد بریتانیا را برای قشون کشی‌های فرامرزی دلسرد خواهد کرد و سؤالات مهمی را به وجود خواهد آورد. سؤالاتی در مورد این که آیا آمریکا می‌تواند در آینده روی حمایت‌های سیاسی و نظامی جدی بریتانیا هنگام بحران‌هایی که همکاری‌های دفاعی دو کشور را در گذشته شکل داده حساب کند؟ در واقع، روابط ویژه بریتانیا با آمریکا - که این روزها در حال افول است - در آینده کم‌رنگ‌تر و بی‌بهره از پایه‌های نظامی خواهد شد. به طور مشابه، توانایی فرانسه به عنوان متحد نظامی قابل اطمینان آمریکا، به دلیل کاهش قدرت غیرهسته‌ای آن به خطر می‌افتد.

اگر متحدان آمریکا برای مدرن سازی تجهیزات نظامی خود با واشنگتن هماهنگ نشوند، امنیت در اطراف اقیانوس اطلس با نگرش‌های ژئو استراتژیک نامطمئنی روبه‌رو خواهد شد. ■

در حدود ۳۰ درصد را گزارش می‌کند. در این بین، نخست وزیر بریتانیا، همانند دولت قبلی همچنان به نگهداری زیر دریایی‌های استراتژیک هسته‌ای به عنوان عامل بازدارنده دفاعی در دریا متعهد است. این امر، مستلزم حفظ حداقل یک زیر دریایی استراتژیک مجهز به موشک بالستیک در همه اوقات و باز سازی و نو سازی چهار زیر دریایی هسته‌ای موسوم به ترایلدنت است. بریتانیا برخلاف دیگر اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل، یک نوع سامانه حمل سلاح هسته‌ای (دریایی) در اختیار دارد. این سامانه شامل ۴ زیر دریایی مجهز به ۱۶ موشک ترایلدنت است که هر کدام بیش از ۸ کلاهک تقسیم شونده (MIRV) را حمل می‌کنند.

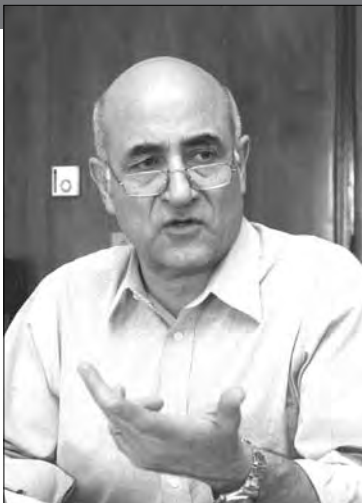
### امنیت غیرپادگانی

در گزارشی که در مورد "آینده منع سلاح‌های هسته‌ای بریتانیا" در سال ۲۰۰۶ از سوی دولت این کشور منتشر شد، هزینه کل جایگزینی این چهار زیر دریایی هسته‌ای ۲۳ تا ۳۱ میلیارد دلار ارزیابی شده است. چنین هزینه‌هایی طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۷ به شدت کاهش خواهند یافت و انتظار می‌رود تقریباً معادل ۹ درصد بودجه سرمایه‌های دفاعی فعلی باشند.

وزیر دارایی بریتانیا اخیراً عنوان کرده است که هزینه‌های جایگزینی ناوگان زیر دریایی‌های هسته‌ای از بودجه وزارت دفاع این کشور تأمین خواهند شد. در گذشته، بودجه باز سازی و نو سازی این زیر دریایی‌ها، خارج از وزارت دفاع تأمین می‌شد. به حساب آوردن این هزینه‌ها در بودجه وزارت دفاع، توانایی بریتانیا را در مدرن سازی تجهیزات غیراتمی و نمایش قدرتی تأثیر گذار، محدود خواهد کرد.

بریتانیا برنامه‌های دفاعی خود را بر اساس این فرضیه تنظیم می‌کند که باید قابلیت بالایی در نشان دادن عکس‌العمل متقابل در مقابل هر گونه حمله ناگهانی از سوی روسیه داشته باشد. به هر حال، از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییراتی که متعاقب آن پس از جنگ سرد در محیط استراتژیک به وجود آمد، بریتانیا و فرانسه مجبور شدند فعالیت‌های دفاع هسته‌ای خود را

### بحران غرب و نظام بانکی



## بانکداری در کلاس جهانی

سخنرانی دکتر پرویز عقیلی کرمانی، مؤسس ماهنامه «اقتصاد ایران» و بانک کارآفرین و عضو شورای سیاست‌گذاری ماهنامه، در جلسه ماهانه انجمن اقتصاددانان

علیرغم همه سخت‌گیری‌ها و کنترل‌هایی که در اروپا و آمریکا بر بانک‌ها صورت می‌گیرد، دیدیم که نظام بانکی در غرب بحران مالی بی‌سابقه‌ای را رقم زد که ناشی از فعالیت نادرست آن بود.

بحران جهانی و اقداماتی که در سیستم بانکی ایالات متحد صورت گرفت، می‌تواند به عنوان الگویی برای ما به حساب آید که قطعاً عمل به آن به نفع کشورمان خواهد بود. این گونه اقدامات منحصر به آمریکا نیست و اخیراً اتحادیه اروپا اقداماتی را آغاز کرده که احتمالاً مشابه سیستم آمریکایی آن خواهد بود. در زمینه مشکلات پیش آمده در اقتصاد دنیا، اگر کمی به عقب برگردیم، نرخ بهره در دهه ۱۹۸۰ طی ۶۰ یا ۷۰ سال اخیر به بالاترین سطح خود رسید، به طوری که نرخ بهره بین بانکی تا حدود ۲۰ درصد افزایش یافت. در این خصوص، با اقدامات مناسبی که پل و لکسر، رییس وقت بانک مرکزی آمریکا و مشاور فعلی اوایاما، در آن زمان انجام داد، نرخ

بهره از سال ۱۹۸۲ با روندی نزولی، به رقم ۰/۱ درصد در سال ۲۰۰۳ رسید که طی مدتی با کمی افزایش، در ۵ درصد تثبیت شد. از ابتدای ۲۰۰۸ و تنها در فاصله حدود ۲۰ ماه این نرخ به رقمی بین صفر تا ۰/۲۵ درصد رسیده است. به طور متوسط از دهه ۹۰ نرخ بهره هیچ‌گاه از نرخ ۵ یا ۶ درصد عدول نکرده و به همین دلیل، بانک‌های سرمایه‌گذاری در آمریکا به دنبال این مسأله بودند تا به نوعی بازدهی را برای سرمایه‌گذاری بالا ببرند. در این راستا، مسأله سوآپ بهره به وجود آمد که بانک Bankers Trust مبلغ آن بود. عملکرد موفق این بانک در آن زمان، باعث شد حتی سوآپ ارز هم پیش بیاید، اما دیری نپایید که همین بانک

به شدت با بحران مواجه و ورشکسته شد و در نهایت، بانک دویچه آن را خریداری کرد.

ابزار مشتقه مالی هم که برای بالا بردن بازدهی سرمایه بود، با همین سوآپها شروع شد. تصور کنید در صورتی که بتوان ریسک‌های اعتباری و سیاسی یک ورقه قرضه زیمبابوه را که به کمک ابزاری جداگانه مشخص کرد، اگر این ورقه قرضه بر مبنای یورو باشد، ارزش آن همانند یک کشور اروپایی خواهد بود، چون ریسک‌ها را از آن جدا کرده‌ایم.

محصول ناخالص داخلی (GDP)

دنیا در سال ۲۰۰۹ معادل ۶۰ هزار میلیارد دلار ذکر شده، در حالی که ارزش این ابزار مشتقه در سال ۱۹۹۸ معادل ۹۲ یا ۹۳ هزار میلیارد دلار، یعنی چیزی در حدود ۱/۵ برابر GDP ۲۰۰۹ دنیا بود. در سال ۲۰۰۸ که بحران مالی به وجود آمد، این ابزار مشتقه که در بازار معامله می‌شدند، چیزی در حدود ۶۰۰ هزار میلیارد دلار و نزدیک به ۱۰ برابر GDP دنیا بودند.



• بانک‌ها موظفند اطلاعات شفاف و صادقانه به مشتری‌های خود ارائه کنند.  
• چون ورشکستگی یک بانک، عواقب بدی را برای اقتصاد پدید می‌آورد، باید با افزایش دارایی‌های یک بانک از مرز ۵۰ میلیارد دلار، سالانه مقداری از سودشان در صندوقی واریز شود که در صورت ورشکستگی، خودشان بهای اشتباهشان را از این صندوق پرداخت کنند. همچنین، باید یک روش ورشکستگی ملایم به وجود آید، یعنی مؤسساتی که بد عمل می‌کنند باید ورشکسته شوند تا وضعیت بدتر نشود. ما هم باید چنین مکانیزمی را در سیستم خود وارد آوریم، چرا که ورشکستگی در مواقعی لازم است.

• تشکیل کمیته‌ای ۹ نفره از متخصصین در وزارت دارایی آمریکا برای پیش‌بینی و جلوگیری از بحران‌های آتی اقدام دیگری در راستای عاقبت اندیشی برای موارد بحرانی بود.

• شفافیت در سیستم بانکی که مهمترین این موارد هم به حساب می‌آید مسأله دیگری است که جا دارد ما هم به

برقراری این الزام در نظام بانکی اقدام کنیم.

• موضوع نظارت و این که چه کسانی و چگونه بر سیستم نظارت داشته باشند.

• اطلاع سرمایه داران از حاکمیت شرکتی و حقوق مدیران، محافظت از سرمایه گذاران و در نهایت رعایت دقیق قوانین و مقررات در نظام بانکی سایر مفاد این قانون محسوب می‌شوند.

علاوه بر این موارد، برنامه‌ای هم تا سال ۲۰۱۸ در پیش گرفته شده که بر مبنای آن، افزایش سرمایه بانک‌ها تا آن سال به ۱۰/۵ درصد برسد و حتی ۴/۵ درصد آن، باید پول واقعی باشد.

### تکلیف ما چیست؟

ما هم باید در سیستم خودمان، بسیاری از این موارد را پیاده کنیم. باید از سپرده گذاران محافظت کنیم و اجازه بدهیم مؤسساتی که بد عمل می‌کنند، آرام و بدون این که لطمات حاشیه‌ای داشته باشند ورشکست شوند. پول سپرده گذاران امنیتی است که باید حفظ شود و تنها راه آن - برای این که بارش به دوش دولت نیفتد - برقراری یک نهاد نظارتی بسیار قوی است.

در مورد نرخ سود، متأسفانه ما زیاد در این مقوله دخالت می‌کنیم. بانک‌های خصوصی در ابتدای فعالیتشان، نرخ سود دریافتیشان معادل ۳۰ درصد بود و سودی که پرداخت می‌کردند، ۱۴ درصد. در حالی که در تمام دنیا، تنها یک اختلاف ۲ یا ۳ درصدی بین این دو نرخ وجود دارد. بر اثر افزایش رقابت، سود پرداختی به سپرده‌ها به ۱۹ درصد رسید و سود دریافتی آنها هم به ۲۳ یا ۲۴ درصد کاهش یافت. یعنی عملاً اختلاف به ۴ تا ۵ درصد رسید و واقعاً نزدیک بود تا یک نظام واقعی عقود اسلامی برقرار شود. اما دخالت‌ها مانع آن شدند. در نهایت باید گفت مسأله‌ای که در بانکداری بدون ربا وجود دارد آن است که بانک حد و حدودی دارد و باید پس از به دست آوردن درآمدی بیش از حق‌الوکاله، آن را به سپرده گذار پرداخت نماید. متأسفانه، این درآمدها و سپرده‌ها به غلط و با یک نرخ سوبسیدی، صناعی را سر پا نگه داشته‌اند که توجیه اقتصادی ندارند و باید به حال آن فکری کرد. ■

اصول این ابزار بر این امر مبتنی هستند که با تجزیه ریسک‌ها از ابزار اصلی، کسانی که طالب ریسک‌های مختلفند، می‌توانند ریسک‌های متفاوتی را تقبل کنند و در نتیجه به این دلیل گفته می‌شد بازار از این طریق عملکرد موفق‌تری خواهد داشت. در آن زمان، ریاضی دانان به خیال خود و با فرمول‌های پیچیده به بررسی ریسک این ابزار در بانک‌های سرمایه گذاری پرداختند و در نهایت، سرمایه گذار هم اصلاً متوجه نمی‌شد که روی چه چیزی سرمایه گذاری می‌کند. یک نمونه این موضوع را در مقیاس بزرگ می‌توان در ارتباط با شهرداری میلان مشاهده کرد. این شهرداری از ۴ بانک مهم جهان، رقمی در حدود ۲/۵ میلیارد دلار قرض گرفت و در عوض، اوراق قرضه‌ای برایشان منتشر کرد.

بانک‌ها هم با همان فرمول‌های خودشان، به این دلیل که نرخ بهره اوراق فروخته شده ثابت و از نرخ شناور پایین‌تر بود، از ابزار مشتقه‌ای به نام کالر - که زیان را محدود می‌کند - استفاده کردند و آن را به شهرداری فروختند. در این صورت، اگر نرخ بهره افزایش پیدا می‌کرد، دیگر لازم به پرداخت بیشتری از سوی شهرداری نبود. اما چون بهره بر خلاف معمول و پیش‌بینی آنها به جای افزایش، کاهش پیدا کرد، بانک‌ها در صدد برآمدن از شهرداری یک پول اضافی دریافت کنند. شهرداری میلان هم مثل بسیاری دیگر اصلاً متوجه نبود که متقبل چه چیزی شده و الان به همین دلیل، کارشان به دادگاه کشیده است.

### اشتباه بانک‌ها و قانون جدید

پس از آن که ابزار مشتقه را شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی خریداری کردند، اشتباهی که بانک‌ها بعضاً مرتکب شدند این بود که آنها هم وارد این بازار شدند و از وظیفه اصلی خودشان منحرف گشتند. آنها از بازار بین بانکی با نرخ بسیار پایین پول قرض می‌گرفتند و در این بازار به معامله می‌پرداختند و در نهایت هم با وقوع بحران، یکی پس از دیگری به ورطه نابودی کشیده شدند. به طور قطع، اگر آنها به وظیفه خود یعنی عملکرد به مثابه یک بانک تجاری عمل می‌کردند و مسأله کفایت سرمایه با نظارت درست روی آنها صورت می‌گرفت، چنین وضعیتی هم پیش نمی‌آمد.

با توجه به موارد مذکور، قانون ثبات سیستم بانکی در آمریکا تصویب شد که بندهای زیر را شامل می‌شود: